

دایره

حاج مصطفی گراشی، مداح بوشهری:

دایره، در عزاداری جنوب نماد اتحاد است

صفحه ۱۱

پرونده «جام جم» برای ویژه برنامه محرمی شبکه نسیم که مورد توجه مردم قرار گرفته است

باحسین حرف بزن

ویژه

«جام جم» بازدیدهای برنامه های محرم در تلویزیون را بررسی می کند

مخاطب میلیونی حسینیّه معلی

کم توجهی سازمان سینمایی و فابری به جشنواره های آسیایی ادامه دارد

درس از ونیز

زاویه دید

آرش شفاعی آگروه فرهنگ و هنر

به انگیزه زادروز محسن چاوشی

صدایی که از خرمشهر می آید

به صدای خالص باز می گردد.

او توانسته با صدایش که حزن مخصوصی دارد و تکنیک ویژه اش در خوانندگی، بخشی خالی از موسیقی پاپ امروز را پر کند. او در زمانی که صدای خوانندگان جوان، خوانندگان دهه های پیش را به ذهن می آورد، به میدان آمد و با صدایی ویژه و غیر تقلیدی توانست مخاطبانش را جذب خود کند. بخش دیگری از موفقیت او، به توانایی ویژه اش در آهنگسازی بر می گردد و البته سلیقه خوش در انتخاب شعر.

او حتی وقتی با خوانندگان جوان همکاری نکرده است، بیشترین استفاده را از آثار مولانا کرده است. به عبارت بهتر، او توانسته شعر پر خروش و شورش مولانا را در موسیقی پاپ دوباره زنده کند. اگر در دهه ۶۰، شهرام ناظری با رویکرد سنتی، استفاده از شعر مولانا را به موسیقی ترویج داد، چاوشی کار او را در موسیقی پاپ ادامه داد و با توجه به وجه عامه پسندانه تر این نوع موسیقی، کار چاوشی سخت تر هم بوده است.

از طرف دیگر چاوشی در تمام این سال ها، سعی کرده است رازناکی و در دسترس نبودن خود را حفظ کند. این باعث می شود که مخاطبانش برای پیدا کردن رد و اثری از او تشنه تر باشند. نه اهل مصاحبه است، نه اهل حضور در برنامه های شو و فرش قرمز، نه با همه عکس می گیرد و نه به هر مناسبتی اظهار نظری جنجالی می کند و از همه مهم تر اهل کنسرت گذاشتن و بیلبورد زدن در سطح شهر نیست.

البته این رازناکی و در صحنه نبودن، هزینه هایی هم داشته است چنان که برخی خودداری او را از برگزاری کنسرت، به ضعف او در اجرای زنده نسبت داده اند که البته خود او سعی کرده با اجرای زنده چند کار در صفحات شبکه های اجتماعی پاسخی به این شایعات بدهد.

همه اینها به کنار، سلوک او به عنوان یک شهروند دغدغه مند هم مورد توجه مخاطبانش بوده است. فعالیت های نیکوکارانه چاوشی از جمله فعالیت های خیریه برای آزادی محکومان به اعدام و تأمین مالی برای آزادی زندانیان جرایم غیر عمد و بیماران خاص، همواره نام او را به عنوان یک چهره دارای کنش اجتماعی مطرح کرده است.

سال گذشته مدیرعامل ستاد مردمی رسیدگی به امور دیده و کمک به زندانیان نیازمند، آماری اعلام کرد که براساس آن در مدت دو سال، ۸۵۱ زندانی غیربزهکار با کمک های دنبال کنندگان صفحه اجتماعی محسن چاوشی از بند رهایی یافته اند. فعالیت هایی که امسال با اعلام رسمی تأسیس «جمعیت حیدر» را برای حمایت از ایام و نیازمندان توسط این خواننده، شکل و شدتی دیگر خواهد یافت.

مهرجویی به توافق برسد، حتی نتوانست با ابراهیم حاتمی کیا هم به توافق لازم برای ساخت موسیقی و خواندن تیتراژ فیلم «ج» برسد و البته پرونده این همکاری همان اول با دلخوری بسته شد. او بعدها تیتراژی برای فیلم های «لامپ ۱۰۰» سعید آقاخانی، «شی که ماه کامل شد» ترنس آبیاری و «زن خوک» سعید سهیلی خواند که زیاد در ذهن کسی نمانده است. هرچقدر رابطه چاوشی با فیلم های سینمایی بد پیش رفت، رابطه او با سریال سازها نخست در صداوسیما و سپس با به میدان آمدن شبکه نمایش خانگی، در بسترهای نمایش اینترنتی خوب پیش رفته است. دلداری، سایه بان، بانوی عمارت، شهرزاد، رهایم کن، عقرب عاشق، آمستردام، خسوف و هم گناه از جمله سریال هایی است که صدای چاوشی در آنها طنین انداز شده و برخی از تیتراژهای او برای این سریال ها، جزو آثار ماندگار اوست.

ترانه هایی ماندگار

چاوشی در این مدت، علاوه بر این که خود ترانه بعضی کارهایش را سروده، با ترانه سرایان مختلفی همکاری کرده که در این میان همکاری او با حسین صفا و امید روزبه جدی تر بوده است. حسین صفا چند سال با چاوشی همکاری مستقیم و نزدیکی داشت. او که شاعر شش دانگی است و نه تنها در ترانه سرائی، بلکه در سرودن شعر چه غزل و چه شعر سپید، کارنامه سنگین و قابل اعتنایی دارد، برخی از بهترین ترانه های چاوشی را سروده است. دایره واژگان وسیع، تخیل خوب و تسلط بر زبان، باعث شده است حسین صفا در ترانه سرائی و شعر امروز به یک برند تبدیل شود و البته بخش مهمی از این آوازه، مدیون صدای خاص چاوشی است که از عهده شعرهای او برآمده است.

همکاری این دو مدتی است کم رنگ شده و شاید بهتر است بگوییم پایان یافته اما چاوشی همکاری با ترانه سرائی خوب و جوان دیگری را آغاز کرده، به نام امید روزبه. روزبه که شاعر جوان به شدت خوش ذوقی است، ترانه های کارهای جدید چاوشی از جمله ترانه «آواز خون» را که به تازگی منتشر شد و مورد توجه زیادی هم قرار گرفت، سروده است. در این میان ترانه هایی که خود چاوشی سروده است، نسبت به بقیه کارهایش از نظر کلام در سطح پایین تری قرار دارد و شاید بهتر باشد خواننده خوش صدا، کار سرودن را به اهلس واگذار و خود روی آهنگسازی و خوانندگی تمرکز کند.

آقای خاص موسیقی

چاوشی امروز یکی از پرفرودارترین خوانندگان بازار موسیقی ایران است، البته بخش عمده ای از این استقبال از کارهای او،

هشتم مرداد ۱۳۵۸، محسن چاوشی حسینی در شهر گرم و زیبای خرمشهر زاده شد. شهری که تنها یک سال بعد از تولد محسن، به خط مقدم جنگی تمام عیار و تحمیلی تبدیل شد و بعد از مقاومتی چند ماهه به دست دشمن افتاد.

محسن و خانواده اش هم مجبور به ترک شهر شدند؛ البته خانواده او، بومی خرمشهر نبودند ولی شغل پدرش در شرکت نفت باعث شده بود آنها در این شهر زیبای جنوب کشور ساکن شوند و بعد از شروع جنگ، آنها ابتدا به کرمانشاه، سپس به مشهد و سرانجام به تهران مهاجرت کردند. محسن در تمام این سال ها، علاقه شدیدی به موسیقی داشت و به دنبال این هنر رفت به گونه ای که بعد از بازگشت از خدمت سربازی در ۲۴ سالگی اولین آلبوم موسیقی خود را با نام «نفرین» کامل کرد، ولی سه سال طول کشید تا برای انتشار یک آلبوم مجوز بگیرد، آلبومی به نام «به شاخه نیلوفر».

اما هر هنرمندی برای این که به خوبی دیده شود و مورد توجه قرار گیرد، باید شانس هم داشته باشد. این یکی از سختی های کار هنری است که خوشبختانه محسن چاوشی از این نظر، اقبال بلندی داشت.

در میانه دهه ۸۰، داریوش مهرجویی در تدارک ساختن فیلم «سنتوری» بود که به زندگی یک خواننده جوان می پرداخت. محسن چاوشی توانست نظر مساعد مهرجویی را به عنوان خواننده و آهنگساز جلب کند و صدایش روی فیلم نشست. محسن چاوشی درباره شیوه ضبط صدایش برای آهنگ های فیلم سنتوری گفته است: «چاره ای جز این نداشتم که در خانه و در یکی از اتاق های مان کار ضبط را انجام بدهم. به کمک مادرم یک پتو را با میخ به جلوی پنجره زدم و دیوارها را هم با پتو پوشاندم تا صدا نییجد.

مادرم از اتاق بیرون رفت و با یک پتو از بیرون، در اتاق را پوشاند. خودم هم از این طرف رفتم، یک پتو آویزان کردم تا بتوانم در نهایت فضایی را در اختیار داشته باشم که در آن بشود وکال گرفت؛ پس از همه این ماجراها، پتو را کشیدم روی سرم و در همان شرایط خواندم و همه وکال را ضبط کردم. از زیر پتو که بیرون آمدم، «علی سنتوری» به دنیا آمده بود. همان نسخه هم نهایی و پخش شد». او در این فیلم، چهار قطعه اجرا کرد. دو قطعه «سنگ صبور» و «من با تو خوشم» را امیر ارجینی سروده بود و ترانه قطعات «زخم زبون» و «خیانت» را به ترتیب حسین صفا و ترانه مکرر سروده بودند.

سنتوری ابتدا توقیف و بعد با اما و اگر پخش شد اما موسیقی متش مورد توجه مردم قرار گرفت و نام محسن چاوشی را به یک نام محبوب و خاطره انگیز تبدیل کرد. اما داستان محسن چاوشی و سینما بعد از سنتوری خوب پیش نرفت. نه تنها او برای بازی در قسمت دوم فیلم سنتوری نتوانست با داریوش



آرش شفاعی
آگروه فرهنگ و هنر



برش

یک سلبریتی واقعی

مظلومان و محرومان در گستره تاریخ به ویژه یاد کر بلا و سرور و سالار آزادگان جهان امام حسین (ع) را همواره در برنامه ها داشته و دارد. چاوشی در این سال ها از قطعات متعددی همچون راه کر بلا با شعری از امیر ارجینی، ظهر عطش با شعری از محمدرضا آقاسی، غدیر خون با شعری از امیر ارجینی، نخلای بی سر، حسین، عباس و ... با تمرکز بر واقعه کر بلا منتشر کرده است. باید بپذیریم چاوشی نه به خاطر ویژگی و امتیازات خوب در فرم، لحن و مضمون آثارش که بی شک قابل ستایش هستند، بلکه به خاطر تلاش برای آنچه مردم دوست دارند، یک سلبریتی واقعی است؛ حتی اگر منتقدانش به واسطه نداشتن کنسرت و اجرای زنده، ترانه هایش را زیر سؤال ببرند!

محسن چاوشی را باید در زمره یک سلبریتی واقعی دانست؛ کسی که بی حاشیه خود را وقف مردم کرده و از هیچ تلاشی برای حمایت از آنها دریغ نمی کند. انتشار جدیدترین اثرش آواز خون هم که ادای دین به شهدای کر بلا بود نشان می دهد در کنار مردم بودن برای این هنرمند بیش از هر چیز اهمیت دارد.

چاوشی که همواره تاکید داشته «برای مردم و ایران و همه دغدغه هایش می خوانم و تا ابد صدای محرومان و همین مردم خواهم ماند» گرامیداشت یاد و نام انمه اطهار به عنوان حامیان همیشگی



آواز خون



حسین (ع)



راه کر بلا



ظهر عطش



غریب مادر



عباس (ع)